

آذَرَبَايْجَانْ

بشینیجی دؤره (دوره پنجم) ۶۳ - نجی نمره (شماره ۶۳ ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان آذر ۱۳۸۸ ص ۱

آیت الله حسین علی منتظری در گذشت!

آیت الله حسین علی منتظری در سن
۸۷ سالگی در پس عارضه قلبی و
یا مغزی در گذشت!
صفحه ۳

تبریک رسیده

آذربایجان میلی حکومتین 64 نجی ایل
دونومو
آذربایجان میللتینه مبارک اولسون
صفحه ۴

در این شماره

ایران استبداد زده ص ۶
چهارمین کنفرانس و... ص ۷-۸
روسیه استبداد زده ص ۸-۱۰
ایا به راستی دوران انقلابهای اجتماعی
سر آمده؟ ص ۱۰
طبعیت و محیط زیست عوامل تخریب
آنها در کشورمان ص ۱۴

۲۱ آذر و مناسبات مالک و زارع

نهضت ۲۱ آذر تحت رهبری فرقه
دموکرات آذربایجان پیروز شد. فدائیان نیروی
محرکه و دهقانان پایگاه اجتماعی این نهضت را
تشکیل میدادند. بدین جهت بود که حکومت ملی
آذربایجان مسئله ارضی را مورد توجه قرار داد و
برای حل آن اقدامات جدی انجام داد.

قرنها بود زمین در دست اربابان بزرگ
متمرکز بود و رعایا این زمین را آباد میکردند.
سهام قابل ملاحظه از محصولات کشاورزی را در
اختیار ارباب قرار میدادند. با در نظر گرفتن این
که بیش از هشتاد درصد اهالی کشور در روستاها
زندگی میکردند. ارباب بعنوان رابط میان دولت و
رعیت مالیات نقدی و جنسی را جمع آوری میکرد
و با رعایا در تماس بود از این رو میتوان به نقش
ارباب در اداره کشور پی برد. این وضع تا
پیروزی نهضت ۲۱ آذر ۱۳۲۴ در سراسر ایران
ادامه داشت. پیروزی نهضت ۲۱ آذر این امکان
را بوجود آورد که اصلاحاتی در روستاها انجام
گیرد. بقیه در صفحه ۲

هیئت رئیسه مجلس ملی ۲۷ بهمن ۱۳۲۴ در این مورد قانونی را از تصویب گذراند که در آن گفته میشود.

«از تاریخ سلطنت رضا خان پهلوی تا ۲۱ آذر ۱۳۲۴ خواه اراضی انتقالی خواه اراضی ضبط شده خالصه و آب ها میان دهقانان مقیم روستا بلا عوض تقسیم شود. و از مراتع موجود در این اراضی نیز مشترک استفاده شود.

علاوه بر این برای تنظیم روابط میان ارباب و رعیت مجلس ملی قانون ۲۱ ماده ای را در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۲۵ به تصویب رساند. در این قانون روابط میان ارباب و رعیت بشکل دقیق که در تاریخ سابقه نداشت تنظیم نمود.

در ماده اول این قانون آب، کار، زمین، تخم و شخم ابزار زراعت را تشکیل میدهند. در ماده ۲ قانون گفته میشود: صرفنظر از اینکه هر یک از ابزار کار به مالک و زارع تعلق دارد. بهره زراعت مطابق ماده زیر میان مالک و زارع تقسیم میشود به موجب ماده ۳ قانون مالک به جز بهره مالکانه حق ندارد از رعیت چیز دیگری طلب کند. همه بدعتهای گذشته ملغی میگردد. بموجب ماده ۴ قانون از کار تخم و شخم به دهقان متعلق است. اگر زارع برای تهیه این وسایل قادر نباشد مالک موظف است وام بدون بهره در اختیار زارع قرار دهد.

اگر مالک برای تأدیه وام قادر نباشد. با تأیید انجمن محل و بخشدار این وام از جانب دولت پرداخت میشود. قبل از تقسیم محصول ۲۰٪ محصول در قبال درو و جمع آوری محصول به زارع تعلق دارد. در مقابل زارع موظف است. بقیه کارها را به عهده بگیرد. همه کاه به زارع متعلق است.

در جایی که کار ۳، زمین ۱، شخم ۲، تخم ۱ باشد. تقسیم محصول ۶ سهم به زارع یک سهم به مالک تعلق میگیرد. بوستان از پرداخت مالیات معاف است.

محصول زمین های آب یاری شده از آبهای طبیعی ۸٪ مال زارع، ۲٪ مال مالک است. علوفه که با آب چشمه آبیاری میشود ۹٪ مال زارع ۱٪ مال مالک است.

غله، حبوبات و محصولات صیفی که با آب کهریز آبیاری میشود ۴ از ۱۲ حصه، مال مالک ۸ از ۱۲ مال زارع است.

با غاتی که با آب چشمه آبیاری میشود باید برای یک هکتار ۱۵ تومان مالیات پرداخت شود. اگر آب مال ارباب نباشد آب را خود زارع تهیه کند برای هر هکتار ۵ تومان بهره پرداخت میشود. در صورت بروز اختلاف میان مالک و زارع وزارت کشاورزی برای حل اختلاف اقدام می کند اگر حل اختلاف بدین وسیله ممکن نباشد وزارت عدلیه وزارت کشاورزی و وزارت کشور کمسیون را تشکیل میدهند. رای این کمسیون درباره حل اختلاف قطعی است خلاصه از قانون تنظیم مناسبات ارباب رعیت درج میشود تا نشان داده شود که حکومت ملی آذربایجان ۶۴ سال قبل برای تأمین وحدت ملی و تفاهم میان مالک و زارع چه اقدام عادلانه انجام داده است.

آیت الله حسین علی منتظری در گذشت!

آیت الله حسین علی منتظری در سن ۸۷ سالگی در پس عارضه قلبی و یا مغزی در گذشت! روحانی بسیار معتقد و مومنی که سیاست را عین دیانت و دیانت را عین سیاست تلقی میکرد. وی شخصیتی عصیانگرانه داشت و نمی توانست در مقابل زور و زور گویی سکوت اختیار کند! او در حضور استاد خود آیت الله بروجردی از آیت الله خمینی دفاع کرد و در مقابل دیگر استادش آیت الله خمینی از عدالت و دست یازی استادش به ظلم و ستم و قتل عام زندانیان سیاسی که اکثریت آنها از نظر اعتقادی نیز مخالف او بودند عصیان کرد. بهمین خاطر از نیابت رهبری محروم و مورد عذاب و اذیت قرار گرفت!

او ولایت فقیه را تئوریزه کرد و در قانون اساسی گنجانده و حسن آیت ها از شاگردان مظفر بقایی نیز از این تئوری سوء استفاده ها کردند و ساختاری را بوجود آوردند که مانند بختکی شوم بر زندگی و حیات مردم ایران حاکم شد.

و هم او بود که بر علیه ولایت فقیه بر خاست و گفت «این ولایت فقیه را ماسرهم کردیم. اما منظورمان چنین ولایتی نبود»

آیت الله منتظری را بار اول در زندان شماره ۳ و ۴ قصر دیده بودم آنوقت ها او با آیت الله طالقانی مهندس بازرگان، پرویز حکمت جو، علی خاوری (با خاوری رابطه بسیار خوبی داشت) عباس حجری و... هم بند بود فردی بود شدیداً مذهبی و معتقد و مخالف با چپ ها، اما با مخالفان سیاسی خود دوستی و مراودت داشت!

صفر قهرمانی پس از انقلاب چند بار با آیت الله در قم دیدار داشت، بار اولی که بیدار آیت الله منتظری رفته بود، محافظان و کارکتابان دفتر آیت الله از ورود صفرخان بداخل جلوگیری کرده بودند صفرخان (۳۲ سال از عمرش را در زندانهای شاه گذرانده بود و عضو حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان بود) به یکی از آنها گفته بود به آقا بگویند «خان آمده» دیری نگذشته بود که آقای آیت الله منتظری شخصاً جلوی در ظاهر شده و با بغل کردن صفرخان وی را بداخل دعوت می کند و...

کوتاه سخن اینکه آیت الله منتظری فردی بود که به اعتقادات خود شدیداً پای بندوایمان داشت از همین رو در بر خورد با مخالفان سیاسی خود از موضع قاطعانه و حق طلبانه بر خورد میکرد، اما برای مخالفان خود نیز حق و حقوقی قائل بود و در شرایط سخت از روی نوع دوستی و دموکرات پیشه گی از آنها نیز بدفاع می پرداخت از این روست که احزاب غیر مذهبی و مترقی از وی بمثابه روحانی آزادیپیشه یاد می کردند.

وفات این روحانی عالی قدر را به خانواده و یاران وی تسلیت می گویم!

علی ۲۰ داکابر سال ۲۰۰۹

آذربایجان میلی حکومتین 64 نجی ایل دونومو
آذربایجان میلیتینه مبارک اولسون

64 مین سال تشکیل " آذربایجان میلی حکومتی " بر همه اعضا و هواداران فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان ایران و همه ایرانیان آزادی خواه و دمکرات مبارک باد.
64 سال از آن روز که خلق قهرمان و مبارز آذربایجان تحت سازماندهی فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان ایران، با رهبری داهیانه فرزند انقلابی خلق آذربایجان " پیشه وری کبیر " مشعل و پرچم تاریخی " آذربایجان میلی حکومتی " برای بدست آوردن :

1- آزادی

2- عدالت اجتماعی

3- برابر حقوقی زنان با مردان

4- تقسیم عادلانه ثروت آذربایجان بین آفرینندگان حقیقی آن یعنی کارگران و دهقانان و زحمتکشان آذربایجان

5- رسمی شدن زبان آذربایجانی در آذربایجان ایران

6- حق شرکت کردن در زندگی اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - هنری و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان در مسائل سیاسی و ...

را در ایران برافراشت، می گذرد.

64 سال از آن روزها می گذرد و ملت مبارز و مورد ظلم و ستم قرار گرفته آذربایجان هنوز چشم براه حاکمیت حکومت ملی خود و به اجرا درآوردن بندهای مردمی - مترقی - مدرن و انقلابی مندرجه در برنامه " بیانیة دوازده شهریور " توسط باعث و بانی آن " ملت قهرمان آذربایجان " در ایران می باشد.
ملت آذربایجان در ایران هنوز چشم براه آن حکومتی است که در آن :

1- زبان مادری اش رسمی و دولتی شود

2- ثروت آذربایجان در خود آذربایجان مانده، خرج خود ملت آذربایجان شده و راهی مرکز نشود

3- حقوق زنان آذربایجانی با مردان آذربایجانی برابر شود

4- آزادی اندیشه - بیان - نظر - عقیده - مذهب و ... قانونی و حقوقی شود

5- کسی بخاطر دفاع از زبان مادری اش، فرهنگ و هنر ملی اش، ماهیت و اصلیتش، لهجه و زبانش، اندولوژی و مذهبش تحقیر و زندانی و شکنجه و اعدام نشود

6- ملت ترک آذربایجان (ترک خر و ترک سوسک) نامیده نشود

7- آذربایجانی بخاطر در آوردن تکه نانی، بخاطر نبود (برنامه ریزی شده!!) امکانات کافی در خود آذربایجان، برای (تمیز کردن !!) تهران و انجام کارهای دیگر راهی مرکز نشود

8- نه تنها کسی بخاطر انتخاب نام ترکی برای مغازه اش (مانند عباس لسانی) زندانی نشده، بلکه تمام نامها آزادانه توسط خود ملت آذربایجان انتخاب و گزیده شود

9- کسی بخاطر دفاع از ملت و تاریخ و فرهنگش، اصلیت و هویتش، زندان و شکنجه و اعدام نشود

سال از آن روزها می گذرد و دشمنان ملت آذربایجان، دشمنان فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان ایران، دشمنان پیشه وری کبیر رهبر حقیقی و واقعی ملت آذربایجان، با به اختیار خود در آوردن :

- 1- ثروت و امکانات مالی متعلق به خود ملت آذربایجان
- 2- با توسل به انواع و اقسام دسیسه ها و حيله ها و ترفندهای کهنه و جدید
- 3- با کشف روزانه انواع و اقسام اسناد و مدارک نویافته!! مبنی بر عامل - وابسته - جاسوس - بازیچه دست روسها بودن و ... فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان، فرزند انقلابی ملت آذربایجان " پیشه وری کبیر " و آذربایجان میلی حکومتی با هدف تجزیه و جدایی آذربایجان از ایران!!

و ...، هنوز که هنوز است (سعی و تلاش!!) می کنند که ماهیت و سیمای انقلابی - مترقی - مردمی پیشرفته و مدرن این پدیده عظیم تاریخی را واژگون و دگرگون و مخدوش جلوه داده، رابطه نسل 21 آذر سال 1324 (از طریق شاهدان زنده آن دوران - کتب - نشریات - روزنامه و ...) آذربایجان را با نسل امروز آذربایجان تا حد امکان کم و محدود و قطع کرده، جلوی " انتقال تجربه " نسل 21 آذر را به نسل امروز آذربایجان گرفته، نگذارند که این " نقل و انتقال " مهم اتفاق افتاده، نسل جوان امروز آذربایجان با تاریخ خود، تاریخ مبارزاتی پدران و مادران و عموها و دایی ها و خاله ها و عمه های انقلابی خود، با تاریخ ملت خود آشنا شده، تا که مبادا یک بار دیگر در آذربایجان ایران همان اتفاقی بیافتد که در 21 آذر سال 1324 افتاد که باید گفت : زهی خیال باطل، زیرا که جلوی پیوند و رابطه نسل " آفریننده " جنبش 21 آذر سال 1324 " با نسل امروز آذربایجان را، بزرگترین و قویترین بمبهای اتمی جهان نیز نمی توانند بگیرند و بر آن خللی وارد آورده، مانع از نقل و انتقال تجربه، علم و دانش، جهان بینی و اندولوژی جنبش " 21 آذر " به نسل امروز آذربایجان شوند.

تجربیات فرا رویداده از جنبش 21 آذر، تدابیر و عملکردهای آذربایجان میلی حکومتی، مبارزات و فداکاریهای فدائیان فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان ایران، رهبری دایمانه فرزند " انقلابی " خلق آذربایجان " پیشه وری کبیر " چنان در اعماق وجود و قلب و مغز هر آذربایجانی و ایرانی انقلابی و آزادی خواه و مخصوصاً نسل جوان امروز آذربایجان در قرن 21 جا گرفته، حک شده است که امروزه دشمنان نیز با چشمان کور و گوشهای کر خود شاهد آنند که چگونه آن بذرهایی که حکومت ملی آذربایجان (در طول عمر فقط یک ساله خود) در آذربایجان ایران پاشیده است، چنان درختان تنومندی به بار آورده است که بزودی حرکت و جهشی از خود نشان خواهند داد که دشمنان آذربایجان و آذربایجانی، دشمنان ایران و ایرانی، دشمنان آزادی و عدالت اجتماعی، همچو بید بر خود لرزیده، بر بی اثر بودن و بیهوده گی تبلیغات خود در عرض این 64 سال پی خواهند برد.

چه کتابها و مقالات و نوشته ها و گزارشها و فیلمهایی که بر علیه جنبش 21 آذر، آذربایجان میلی حکومتی، فدائیان و اعضا و هواداران فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان ایران، رهبر انقلابی آذربایجان پیشه وری کبیر در طول این 64 سال نوشته و ساخته و اجرا نشده اند. چه کنفرانسها و میتینگها و مراسم هایی که برای پیشبرد اهداف دشمنانه خود تشکیل نداده اند.

اما نقطه جالب و مشترک در تمام این تبلیغات و فعالیتهای " نپرداختن " به ماهیت واقعی و حقیقی فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان ایران، آذربایجان میلی حکومتی، پیشه وری کبیر از طرف دشمنان می باشد که البته انتظاری نیز جز این از آنها نمی توان داشت.

دشمنان و مخالفین فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان ایران، آذربایجان میلی حکومتی، پیشه وری کبیر، هر ساله داستانها و اراجیف و اباطیل شناخته شده خود را در دشمنی با این پدیده های عظیم تاریخی با اشکال مختلف سر داده، بر مبنای ماهیت طبقاتی خودشان هیچگاه به ماهیت مردمی - انقلابی مدرن و پیشرفته " جنبش 21 آذر و حکومت ملی آذربایجان " نپرداخته، و امروزه پس از گذشت 64 سال، حتی عده ایی سعی و تلاش می کنند که با (تغییر دادن!!) ماهیت واقعی و حقیقی فرزند انقلابی ملت آذربایجان " پیشه وری کبیر " او را ناسیونالیست و ... نشان دهند. گویی علم و دانش و سواد و آگاهی و شعور آنها فقط تا همین سطح کفاف می دهد.

یاد و خاطره همه جان باختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی آذربایجان، فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان ایران، آذربایجان میلی حکومتی، پیشه وری کبیر زنده و جاوید باد.

درد آتشین بر همه اعضا و هواداران و دست اندرکاران و مبارزین فرقه پر افتخار دمکرات آذربایجان ایران، رهبر حقیقی و واقعی ملت آذربایجان.

ن. قره باغلی

21 آذر 2009

ایران استبداد زده

آزادی و دموکراسی قرن‌ها است که برای مردم ایران آرزویی بیش نه بوده و اکنون نیز به جز آرزو خوش چیز دیگری نیست.

قرن ۱۹ و ۲۰ تلاش زیاده انجام گرفت. مبارزات صلح آمیز و قهر آمیز بکار گرفته شد. ولی استبداد تکان نخورد و با نیشخند به موجودیت خود ادامه داد. این مبارزه بخصوص در قرن ۲۰ شدت یافت و به آمدن و رفتن حکومتها تأثیر گذاشت. اما این تأثیر جنبه منفی داشت. زیرا حکومتی کنار می رفت حکومتی بدتر جای او را می گرفت و اکنون نیز کار بدین منوال ادامه دارد.

در قرن بیستم استبداد سلطنتی با سقوط سلسله قاجار پایان نیافت جای قاجاریان را استبداد سلطنتی پهلوی ها گرفت اوروا در عرض چند سال (۱۹۱۴ - ۱۹۱۹، ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵) خونین ترین تاریخ خود را از سر گذراند بلاخره به آزادی و دموکراسی در جامعه سرمایه داری نائل آمد.

مردم ایران استبداد پرور نیست. آنها علیه استبداد مبارزه می کنند و این مبارزه با کنار زدن استبداد پایان نمی یابد. چنان که حکومت کنونی نیز با کمک مردم به وسیله انقلابی که مردم در آن شرکت کردند سرکار آمد. این بار نیز مانند گذاشته از آزادی و دموکراسی خبر نیست. حکومت مطلقه اراده خود را از طریق قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه به مردم تحمیل می کند. فقدان آزاد و دموکراسی در ایران حکومت را در برابر مردم آزادیخواه قرار داده است. مبارزه برای آزادی و دموکراسی عمده ترین تضاد در جامعه را تشکیل می دهد. این تضاد زمانی از بین می رود که آزادی و دموکراسی در کشور استقرار یابد. در غیر صورت ما شاهد تظاهرات خیابانی، درگیری میان پلیس و مردم، کشته و زخمی شدن معترضین و دست گیریهای آزادیخواهان ادامه خواهد یافت.

انتخابات ریاست جمهوری فرصتی بود برای آشتی ملی اما از این فرصت استفاده نشد. رئیس جمهوری دومین بار با ثبت ۲۴ میلیون رای به نام خود مردم را به خیابانها کشاند.

تظاهرات سرتاسر تمام شئون جامعه را به هم زد نا آرامی همه شهرها را فرا گرفت. دستگاه حکومتی با توسل به زور و با بکار گیری پلیس برای چند ماه توانست آرامش نسبی برقرار کند. ۱۳ آبان ۱۶ آذر نشان داد که مردم برای دست یابی به مطالبات خود اصرار دارند.

۱۳ آبان روز اشغال سفارت آمریکا در تهران است. هر سال این روز با تظاهرات مرگ بر آمریکا بر گذار می شد. ۱۳ آبان امسال وضع ویژه داشت. صدای مرگ بر آمریکا به گوش نمی رسید. مرگ بر دیکتاتوری عمده ترین شعار روز را تشکیل می داد. این تظاهرات نیز با درگیری پلیس تظاهر کنندگان پایان یافت.

دانشجویان دانشگاه تهران ۱۶ آذر را روز شماره می کردند. روزی که ۵۶ سال قبل برای اعتراض مسافرت نکسون معاون رئیس جمهوری آمریکا دانشجویان تهران دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات پلیس تهران دست به اسلحه برد. در نتیجه تیر اندازه پلیس شاه ۳ دانشجو کشته شد. دانشجویان دانشگاه تهران هر سال برای یاد بود این روز دست به تظاهرات می زدند. یاد بود ۱۶ آذر هم برای تظاهرات کنندگان هم چنین برای پلیس وضع ویژه داشت تظاهر کنندگان با شرکت در این روز دنبال اعتراضات علیه تقلب در انتخابات می گرفتند.

شرکت دانشجویان در تظاهرات ۱۶ آذر نشان می دهد که دره ای عمیق میان حکومتگران موجود است که حکومت و ملت را از هم جدا می سازد. تا زمانی که خواست ملتی یعنی آزادی و دموکراسی در کشور مستقر نشود. این شکاف بیش از پیش عمیق تر خواهد شد.

چهارمین کنفرانس و...

پس از تشکیل موفقیت امیر چهارمین کنفرانس مهاجرین ایرانی مقیم جمهوری آذربایجان (که با شرکت اکثریت نمایندگان دعوت شده ۹۸٪ بر گزار شد) مطبوعات محلی با چاپ مقالات و مطالب در مورد این نشست مهم اعلام موضع کرده اند! از همین رو با گزیده ای از این مقالات و درج خلاصه ای از آنها خوانندگان خود را با این مطالب آشنا می کنیم!

هئیت تحریریه یه روزنامه نذربایجان

روزنامه «بوتو آذربایجان» (۱۱ دکابر) مقاله ایی تحت نام «اوج مهاجر آخینی» (سه سیل مهاجرت) درج کرده و در آن به تاریخچه مهاجرت ایرانیان به آذربایجان (اتحاد شوروی) پرداخته و زندگی سه نسل از مهاجرین ایرانی فرقه ایها و توده ایها پرداخته و از کار و فعالیت و اقدامات آنها در داخل کشور و علت مهاجرت آنها سخن گفته است.

روزنامه «ریگیون» (۲ دکابر) مقاله ایی چاپ کرده بنام «رهبری جمعیت مهاجرین ایرانی تغیر پیدا کرد.» در این مقاله اشاره ای به ترمیم رهبری جمعیت کارپایه و اتحاد تدابیری برای گسترش فعالیت جمعیت از سوی کنفرانس پرداخته!

روزنامه «باکی خبر» (۲ دکابر) نوشته ایی را درج کرده از فعالیت و همگرایی جمعیت یاد نموده! روزنامه «اکسپرس» (دوم دکابر) مقاله ایی درج کرده که در آن یاد شده «مهاجرین ایرانی همیشه از سوی برادران آذربایجانی خود مورد حمایت بوده اند» روزنامه «ایکی ساحل» (دوم دکابر) نوشته «مردم آذربایجان از مهاجرین ایرانی حمایت می کنند.» در این مقاله به تاریخچه فرقه دموکرات آذربایجان و علت مهاجرت آن پرداخته شده!

روزنامه «وطن داش همرای لیگی» (۴ - ۱۰ دکابر) نوشته «مهاجرین دور هم گرد آمدند!» و در مقاله خود از فعالیت جمعیت و فرقه و تاریخ مهاجرت یاد کرده!

روزنامه «سیاست» ۲ دکابر نوشته «صدر جمعیت کنفرانس مطبوعاتی داشت» در این نوشته به بررسی اوضاع کشور، وضعیت موجود جمعیت و فرقه دموکرات آذربایجان اشاره گردیده.

روزنامه «هفته ایچی» در مقاله ۲۵ نوابر خود بنام «مهاجرین نمی توانند به وطن خود بر گردند.» در مورد فعالیت مهاجرین ایرانی و علل مهاجرت و شواریهای زندگی آنها سخن بمیان آمده.
روزنامه «تضادار» ۱۲ دکابر به تشکیل ۶۴ مین سالگرد فرقه دموکرات آذربایجان و در مورد اقدامات سیاسی و اجتماعی فرقه پرداخته.

«روزنامه هفته ایچی» ر شماره ۱۴ دکابر خود نوشته «۲۱ آذر در تاریخ شرق برگ زرینی است» در این مقاله به اهمیت تاریخی و شرایط بوجود آمدن جنبش ۲۱ آذر، تشکیل حکومت ملی و اوضاع بین المللی پرداخته و حوادث مختلف را مورد بررسی قرار داده! در این مقاله نقش اتحاد شوروی، اقدام پیشه وری و وضعیت ایران بمثابه کشوری کثیرالملله و... مورد تفسیر قرار گرفته.

روزنامه «ایکی ساحل» در شماره ۱۲ دکابر به جنبه های گوناگون کنفرانس چهارم جمعیت مهاجرین ایرانی پرداخته است.

روزنامه دولتی، «پارتیت» ۶۴ مین سالگرد فرقه دموکرات آذربایجان را در صفحات خود را درج کرده و در این باره به بررسی تاریخ فرقه پرداخته.

روزنامه «شرق» ۱۲ دکابر نوشته «۲۱ آذر صفحه ایی طلایی در تاریخ مبارزات شرق زمین» است. در این مقاله تاکید شده نمی توان این حرکت تاریخی را در دیده ای محدود مورد بررسی قرار داد هم پیشه وری و هم خلق آذربایجان حرکت را سازمان دادند که یک از ضرورت تاریخی ناشی میشد و...

روزنامه «اکسپرس» در شماره ۱۲-۱۴ دکابر خود به سخنان امیرعلی لاهرودی صدر فرقه دموکرات آذربایجان در رابطه با ۶۴ مین سالگرد تاسیس فرقه پرداخته است.

روزنامه «۵۲۵» هم نوشته «۲۱ آذر یک برگ زرین در تاریخ مبارزات مردم شرق است» در این مقاله حکومت ملی آذربایجان مورد بررسی دقیق و علمی قرار گرفته.

.....و

روسیه استبداد زده

روسها و روسیه نسبت به ملل دیگر اروپا دارای خصوصیات ویژه هستند. جمع گرائی و تبعیت از قدرتمندان حکومتی یکی از عمده ترین خصوصیت روسها را تشکیل میدهد. این ملت ۳۰۰ سال زیر جکمرانی سلسله رمائف ها بسر برده اند، پادشاهان این سلسله را پدر نامیدند مانند برده از آنان تبعیت میکردند. بعد از سقوط حکومت استبدادی سیستم جدید حکومتی سرکار آمد میان حکومت جدید و بقایای حکومت سرنگون شده نبرد آشتی نا پذیر مسلحانه آغاز گردید در این میان میلیونها انسان (از هر دو طرف) جان خود را از دست دادند در نتیجه حکومت جدید قدرت بلا منازع را در دست خود متمرکز نمود

علیه مخالفین شدت عمل از خود نشان داد در عین حال حکومت نوپاییده آلیزه گردید. جامعه به رهبران و رهبری شدگان تقسیم گردید، رهبر قدرتمند در کسوت تقدس ظاهر شد. بدین طریق تبعیت بی چون و چرا از رهبر نه تنها جنبه سیاسی بلکه جنبه معنوی به خود گرفت در چنین جامعه حزب واحد عالی ترین مقام سیاسی و ایدیولوژیک را بعنوان رهبر معنوی در دست خود متمرکز نمود. این دومین مرحله ای بود در تاریخ ۳۰۰ ساله روسیه.

در اوایل قرن ۲۰ حکومت مطلقه ۳۰۰ ساله از میان رفت در آواخر قرن ۲۰ حکومت ایدیولوژیک بدون کمترین مقاومت جای خود را به حکومت لیبرال بورژوآی داد اما این بار نیز استبداد ریشه کن نشد فقط نام و نشان خود را تغییر داد.

حالا چه فرقی میان گذشته و حال موجود است؟ در مراحل سه گانه استبداد فردی در کشور حاکم بود. در حال حاضر لیبرال دموکراتها بر کشور حکومت می کنند این حکومت در ظاهر امر با آزادیهای سیاسی مخالفت نمی کند.

اما شدید ترین نظارت بر دستگاههای تبلیغاتی را بر قرار کرده است از جمله فعالیت احزاب در این کشور آزاد است. حتی کمونیستها در پارلمان نماینده دارند. اما حزب حاکم بعنوان ابزار در دست حکومت اکثریت مطلق در پارلمان را (۳۱۵ از ۴۵۰) دارد. این حزب (حزب روسیه واحد) از بالا تشکیل شده در سراسر روسیه حکومت می کند به این معنی که همه فرمانداران، بخشداران رؤسای ادارات دولتی و غیر دولتی مسئولین دانشگاهها و مؤسسات فرهنگی در آن عضویت دارند. بعبارت دیگر حزب روسیه واحد حزب مأمورین دولتی است این حزب است که در جریان انتخابات محلی و سراسری با استفاده از اهرم های دولتی اکثریت مطلق نمایندگان را از آن خود می سازد.

در انتخابات محلی در اکتبر غیر از حزب حاکم ۵ حزب کوچک شرکت کردند. تنها حزب کمونیست توانست در پارلمان محلی تعدادی نماینده داشته باشد. بقیه احزاب چهارگانه نتوانستند رأی حد نصاب را بدست بیاورند. پشت در پارلمان محلی ماندند. بدین ترتیب آزادی سیاسی در روسیه لیبرال بورژوآزی معنی واقعی ندارد. استبداد تحت لوای آزادی سیاسی بر روسیه حکومت می کند.

قرن ۲۰ قرن انقلابهای رهائی بخش در کشورهای در حال رشد و کشورهای مستعمره بود. پیروزی انقلاب روسیه تزاری و چین نیمه مستعمره حاکی از این واقعیت است. انقلاب برابری اقتصادی را در این کشورها بر قرار نمود. جامعه نوین وحدت کامل زحکتکشان را تأمین نمود. استثمار انسان از انسان را از بین برد اصل کار برای همه نان برای همه، تجسلی برای همه بهداشت برای همه به مرحله اجرا در آورد. برای اجرای این اصل بسیج عمومی اعلام گردید. در اسرع وقت عقب ماندگی پایان یافت. روسیه به دومین ابرقدرت جهان مبدل شد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی رهبری سیاسی و ایدیولوژیک خود را در سراسر روسیه اعمال نمود. رهبری اداره مملکت را در دست خود متمرکز نمود از این طریق بود که آزادیهای سیاسی محدود تر گردید. تأمین برابری اقتصادی فقدان آزادیهای سیاسی را توجیه می نمود.

حکومت روسیه لیبرال بورژوازی برابری اقتصادی گذشته را نفی می کند، به جای برابری اقتصادی آزادی سیاسی راه «ترویج» می نماید. بعبارت دقیقتر آزادی سیاسی شکم گرسنه را سیر نمی کند. زیرا غیر برابری اقتصادی شمار گرسنه گان و نیم گرسنه گان را افزایش می دهد، یعنی ثروت ملی در دست گروه کوچک اولیگارشی متمرکز می شود بدین سبب توده های عظیم مردم به فقر مطلق محکوم میشوند.

حزب روسیه واحد، حزب سرتاسری، حزب مأمورین دولتی، حزب اولیگارشی تازه بدوران رسیده قوای مقننه را در سراسر روسیه در دست خود جمع کرده بدین وسیله مراجع قانونگذاری تحت تسلط قوه مجریه در می آید.

مقایسه روسیه کنونی با روسیه گذشته نشان می دهد که حزب کمونیست اتحاد شوروی به تنهایی اداره مملکت را در اختیار گرفته، رهبری سیاسی و ایدیولوژیک خود را اعمال می کرد و توازن در کشور را تنظیم می کرد، حزب روسیه واحد نیز راه گذشته را می پیماید. بدین وسیله دولت لیبرال بورژوازی را مورد پشتیبانی قرار میدهد. تا بقا وضع موجود خلل ناپذیر با شد.

ایا به راستی دوران انقلابهای اجتماعی سر آمده؟

جهان بر شگفت است. چون بنگری

ندارد کسی آلت داوری

خردمند که این داستان بشنود

بدانش گر آید به دین نه گرود»

«فردوسی»

این اواخر، بویژه پس از فرو پاشاندن اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی، به تعداد کسانیکه، با پندوانداز انسانها را از شرکت در انقلاب منع میکنند و انقلاب را اقدامی مضر به روز حال مردم ارزیابی میکنند افزون تر میشود، حتی برخی از مبارزین دیروز و آنهایی که کار سخت سازماندهی بالا بردن سطح آگاهی توده ها و آماده سازی آنها برای شرکت در اقدامات ریشه ای اجتماعی را کاری عبث و بیهوده می انگاشتند و بر این اعتقاد بودند که، «منطق از لوله تفنگها خارج میشود.» نیز بسیار دل نازک و مهربان شده و به این باور رسیده اند که، انقلاب رخ دادی بیهوده است که پس از خون ریزیهای فراوان فرجا می ناخوش آیند دارد چرا که پس از هر انقلابی زمینه برای به حاکمیت رسیدن نیروهای ارتجاعی

ترمهیا می گردد. بالا تر از این بخشی نیز کلمه انقلاب را مترادف با، کشت و کشتار جنگ و خون ریزی میدانند و از همین رو کلمه انقلاب را با احتیاط فراوان برزبان جاری میسازند! در اینجا این سؤال پیش می آید که، آیا به راستی دوران انقلابهای اجتماعی سر آمده؟ و یا نه برداشت از انقلاب دچار دگر گونی «انقلابی» شده؟ برای یافتن حقیقت گذری به برخی از مسائل جاری کشورمان ایران و حوادث بین المللی می کنیم.

اگر حوادث و رویدادهای جاری جهان را از منظر منافع سرمایه داری جهانی و بویژه ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار گیرد، روشن میشود که، ایالات متحده آمریکا و نظام سرمایه داری برای حفظ و بقاء خود و بحرکت در آوردن ماشین دولتی شان احتیاج مبرمی به انرژی نفت و... امنیت برای تجارت و بازار خود و مواد خام برای چرخش و ادامه کار موسسات تولیدی و مصرفی خود دارد. لذا برای بدست آوردن آسان و بدون درد سر اینها، نیاز به برقراری آنچنان مناسباتی است که بنفع سرمایه داری باشد! از همین رومی کوشد بوسیله اهرمهای ایدئولوژیکی سیاسی، نظامی و امنیتی خود این بستر مناسب را فراهم سازد. یکی از حربیه های ایدئولوژیکی سرمایه داری ترویج سوسیال دموکراسی و لیبرالی است که در چارچوب این دیدگاههای، انقلاب و دست یازی مردم تحت ستم کشورهای مختلف جهان به شیوه هایی است که در پی این بستر مناسب مورد خدشه قرار می گیرد. از همین رو می کوشد بوسیله ایدئولوگهای سرمایه داری با سرگرم ساختن مردمی که در اثر مناسبات غیر عادلانه و غارتگرانه سرمایه داری به تنگ آمده اند در چارچوب «کسب دموکراسی اهدایی غرب» و بدست آوردن حقوق بشر، از نیروی وسیع و لایزال این توده ها در جهت مبارزه با سرمایه داری جهانی جلوگیری بعمل آورند. دموکراسی اهدایی غرب از نوع افغانستان و عراق و حقوق بشری از نوع عملکرد اسرائیل در منطقه خاورمیانه. اما اگر مردم نوار غزه و یا جنوب لبنان و یا.... بخواهند از ابتدائی ترین حقوق بشر بهره مند شوند. مورد عطوفت اسرائیل قرار گرفته و با بمب های فسفری خوشه ای و... مورد حمله قرار می گیرند و آنوقت که سازمان ملل متحد این اقدام را جنایت جنگی به حساب می آورد، اسرائیل و آمریکا به آن تره هم خورد نمیکنند. اگر منافع یک سرمایه دار وابسته در ونزولا مورد پرسش قرار بگیرد، ارکان جبروتی الهی به لرزه در می آید و همه «وجدانهای» بیدار و انسانهای طرفدار حقوق بشر و دموکراسی به جان چاوز می افتند و...! آمریکا، غرب و در کل نظام سرمایه داری جهانی از هر اقدام آرمان گرایانه و خواست برای تغییرات زیر ساختی و دگرگونی مناسبات غیر عادلانه اقتصادی در هراس است و آنها را بشدت محکوم و نکوهش میکنند در عوض از انقلابات مخملی در کشورهای اروپای شرقی، گرجستان و اوکراین و.. که هدفی جز رام کردن مردم در مقابل خواستهای نظام سرمایه داری جهانی نیست را با آب و تاب مورد تعریف و تمجید خود قرار میدهند، انقلاب وقتی برای انجام تحولات زیر نبایی وزیر ساختی باشد، بدونا میمون است، اما اگر در جهت احیاء سرمایه داری باشد مورد پسند می باشد این است منطق نظام حاکم بر جهان!

کلمه انقلاب در شرایط امروزی به یک واژه ضد ارزش مبدل شده و اگر کسی بخواهد در این مورد موعظه و اقدامی کند به «دایاناسورهای دوران بلشویکها» مبدل میشوند، توماس کوهن که نه کمونیست و استالینیست بوده می گوید. «انقلاب چیزی جز بریدن از وضعیت موجود برای انجام تغییرات کیفی و ریشه ای نیست!» خود نظام سرمایه داری جهانی نیز از طریق انقلاب و داغون کردن مناسبات فنودالی به قدرت رسید، گذار از دوران فنودالیزم به سرمایه داری در محیطی آرام و ربانی و پر از صلح و صفا صورت نگرفت چرا که نظام مغلوب جان سختی نشان میداد و نظام پیروز می خواست همه چیز را در اختیار داشته باشد نگاهی به حوادث دوران این جابجایی ها در اروپا، انگلستان هندوستان و... بهترین دلیل برای این مدعاست!

بدون تردید وقتی بساط یک طبقه ستم گر و غیر انسانی از سوی افراد و مردم تحت ستم بر چیده میشود پایه و اساس عدالت گذاشته میشود. لکن این آغاز کار است، بر قراری عدالت و نیل به آن خود بخود عملی نمی گردد و مستلزم مبارزه ای بی امان و پی گیر در این رابطه است که متأسفانه انقلابی به بزرگی انقلاب کبیر اکتبر نتوانست به چنین اقدامی دست یازد. از این گذشته انقلاب سفارش یک گروه و دسته و طبقه نیست که شب بخوابد و صبح با سفارش دادن آن جامعه ایی را زیر و رو کند. انقلاب بمثابه زلزله ایی است که در پی فعل انفعالات شدید و در از مدت تکنونیک و زمین ساختی در عمق کره زمین روی میدهد. انقلاب بهمن ۵۷ که رژیم وابسته به نظام سلطنتی سرمایه داری را به زباله دانی تاریخ انداخت به سفارش آیت الله خمینی و یا خواست او صورت نگرفت، بلکه شرایط وزیر ساخت لازم برای انجام این تحول در طی نزدیک به یکصد سال فراهم شده بود. خمینی زمانیکه در نوفال نوشاتو بود گفته بود «ما از سال ۴۲ در حال اطلاعیه دادن هستیم اما فایده ای نداشت. اما مردم در چند ماه کار را یکسره کردند». هما نگونه که اشاره شد انقلاب یک زلزله ایی است که نه بر اثر فعل انفعالات زمین ساختی که بلکه بر اساس فعل انفعالات جامعه شناسانه و اجتماعی روی میدهد!

بر خیها می گویند تئوری انقلاب های اجتماعی و عدالت خواهانه بر محور «اتوپیاها» و مدینه های فاضله ایی که اساساً وجود ندارد، نیا شده است باید به اینها گفته شود که خود دست یابی به دموکراسی نیز یکنوع اتوپیا است و نوع خیال پردازی آرمان گرایانه می باشد. این همه انسان که برای دموکراسی مبارزه می کنند نماد این دموکراسی را در کجا دیده اند؟ در آمریکا و یا...؟ جان رید نوسنده غربی کتاب ده روزی که جهان را لرزاند می گوید حتی اگر این تلاش (انقلاب کبیر اکتبر) منجر به شکست گردد. این اقدام و این تلاش بمثابه یک اقدام عدالت خواهانه و برابری خواهانه در تاریخ بشر خواهد ماند...» پیروزی انقلاب کبیر اکتبر بدرستی و بمعنی واقعی کلمه دنیا را لرزاند اما بعلت های گوناگون از آن جمله عدم پی گیری در پیاده کردن پر نسیب های ایدئولوژیکی خود نتوانست به حیات خود ادامه دهد و الیگارهای طرفدار حکومت عادلانه تزارهای روسیه دوباره بقدرت رسیدند تا «دموکراسی» و «عدالت» را در روسیه حاکم سازند آنچنان که امروز «کرده اند»!

بشردر طول تاریخ خود پیوسته با اتوپپاها زندگی کرده و در راه رسیدن به آنها از ایثار جان و مال و... دریغ نکرده، اقدامات جهانشمول و دوران ساز و سرنوشت ساز در تاریخ بشری از عناد و لجبازی و خستگی ناپذیری بشر در راه رسیدن به این اتوپپاها بدست آمده است! بر عکس آن زمان که توده ها و ملت ها در راستای رسیدن به اتوپپاها و مدنیة فاضله های خود دچار رخوت و سستی میشوند و با وضعیت موجود سازش و همسو میشوند و در حقیقت راه خیانت به آرمانهای خود را در پیش می گیرند و یاس و ناامیدی بر آنها مستولی میشود ذلیل و خوار میشوند! مانند آنچه که در اتحاد شوروی روی داد. من به شخصه هر روز با زندگی نکبت بار هزاران انسانی روبرو میشوم که در گذشته نه چندان دور صاحب شخصیت انسانی بودند! «آزادی» و «دموکراسی» به روایت غرب چیزی جز حاکم کردن قانون جنگل نیست! آزادی بدون رفاه نسبی و تنظیم مناسبات اقتصادی در جامعه امری پوچ و بی معنی است که بقول شاعر توده ای کسرای فقید «زندگی را خاکستر می کند و عشق را روسپی»

در دنیا کنونی از آن جمله در کشور ما ایران که بخشی از این دنیا است، لیبرالیزم بسرعت در حال چنگ انداختن به منابع عظیم ثروت و به بازی کشاندن شهروندان در بازی دموکراسی است، عده ای دلال که اساس کارشان روی اقتصاد قمارخانه ایی استوار شده میکوشند در فضای و هم آلود و در سایه تبلیغات شبانه روزی به کمک فیلم های ترسناک، بایوپیک و ترویج سکس و اعتیاد و تسلط بر روح روان جامعه شرایط لازم را برای غارت و حپاول خود بوجود آورند و بهر اقدامی دست زند تا جلوی تغییرات ریشه و تحولات زیربنایی یعنی همان انقلاب را بگیرد بدین خاطر از تکرار به زبان آورده شدن کلمه انقلاب مشنمز میشوند. حال آنکه بر خلاف تبلیغات اینها و همفکرانشان، انقلاب به معنی گشت و کشتار جنگ و خون ریزی نبوده و نیست!

اگر در جریان یک تحول عمیق و ریشه ای اتفاقاتی روی میدهد. بدان خاطر است که خواسته های حق طلبانه، آرام و بدور از خشونت معترضین از قبیل تظاهرات، اعتصابات از سوی قدرتهای حاکم به خاک و خون کشیده میشود! لکن بر اساس منطق حاکم بر سرمایه داری این طبقه حاکم نیست که جنایت میکند و با توپ و تانگ و گزهای اشک ور و سلاحهای میکروبی و... به جان مردم می افتد بلکه گناهکار کسانی هستند که از بی عدالتی و ظلم و ستم شکایت میکنند که خود این نشانگر «دموکراسی» ادعایی نظم سرمایه داری در جهان است.

نتیجه اینکه، دور انقلابات اجتماعی بسر نیآمده! در هر جامعه ایی اگر شرایط انقلابی پیش آید. این رویداد حادث خواهد شد، همانگونه که جلوی زلزله را نمیشود گرفت، جلوی انقلاب را نیز نمی توان گرفت، سرمایه داری جهانی و مشاطه گران آن بجای شماتت و نکوهش توده های تحت ستم و بر حذر کردن توده ها از خواسته های رادیکال و اقدام به انقلابات اجتماعی با دیدی نقادانه به سیستم پر از «مهر و عطوفت» سرمایه داری بنگرند و ریشه بی عدالتی ها و ستم ها را در یابند.

من اگر ننگ مغان یا کفرم
آن نیم که بر خدا این ظن برم
که کسی ناخواه داور غم او
گرداندنر ملک او حکم جو

مولوی

طبعیت و محیط زیست عوامل تخریب آنها در کشورمان

پیشگفتار.

حفاظت از طبعیت زیبای میهنمان وظیفه مقدس ملی است.

بنی آدم سرشت از خاک دارد.

اگر خاکی نباشد آدمی نیست.

باید اذعان نمود که تنها با بهره برداری صحیح از منابع طبیعی تجدید شونده قادر به حفظ آب - هوا و خاک کشورمان خواهیم بود.

حفظ و نگهداری آب، خاک، جنگلها و مراتع برای بقاء و تداوم حیات جانداران ضروری است.

جنگلها قبل از پیدایش بشر ولی بیابانها بعد از انسانها بوجود آمدند. جنگلها زمین، مادر چشمه ها و رودخانه ها است. جنگلها شاهکار خلقت و طبعیت و یکی از گرانبها ترین و زیبا ترین منابع کشورها می باشد.

طبعیت زیبای کشورمان با فعالیت خرابکارانه انسانها طراوت اولیه خود را از دست داده و نیمه جان می باشد، در چنین شرایطی حیات و زندگی در گرو حفاظت از منابع طبیعی است.

در این میان حفاظت از جنگلهای زندگی زا و مراتع - دایه بی مزدومنت انسانها از اهمیت حیاتی برای بشریت بر خوردار است.

نهضت سبز جهان شعار جالبی برای قرن بیست و یکم به بشریت هدیه کرده.

قرن بیست و یکم قرن سبز است یا نیست!

خواننده عزیز بهروز شکوری

در مقاله ای که در پیشروی شما خوانندگان عزیز می باشد طبعیت و زیبایی های آن، اهمیت بوم

های آن برای زندگی انسانها، جنگلهای زندگی زا، مراتع با طراوت و عواملی که در مسائل کلی

اکولوژیکی تأثیر می گذارند مورد بررسی می باشد. در مقاله از حوادث فلاکتبار طبیعی داغون شدن

بومها تجمع مواداشعه پراکن، پی آمدهای تخریبی آنها پاره شدن پرده ازون، گرمایش زمین و سایر عوامل

تراژیک مؤثر در دفورماسیون منابع طبیعی سخن بمیان آمده. انبای بشر در طی دوران تاریخ این

نامالیهات را به وجود آورده و امروز در مقابل خود این مناظر تراژیک را می بنیه و طبیعی است که

برای بقای خود تلاش می کند.

در زیر مسائل کلی اکولوژیکی موجود در جهان امروزی و کشورمان را بررسی می نمائیم.

طبعیت کشورمان و مسائل آن

در دورانهای مختلف پیشرفت و تشکل جامعه بشری، منابع طبیعی تجدید شونده و وضعیت آن در

جریانهای تحولات اقتصادی، اجتماعی نقش مهم داشته و مسله ساز بوده است. لازم به تذکر می باشد در

مقاطع مختلف زمانی و مکانی این نقش یکسان نبوده و طبیعی است که تأثیر آن در سازندگی یکسان نبوده است. در دورانهای اولیه زندگی خود بشر تمام وسایل و مایحتاج زندگی خود اعم از مواد غذایی و پوشاک از منابع طبیعی تأمین می کرد. انسانهای اولیه درد امان طبیعت زندگی می کردند و احتیاجات نه چندان زیاد خود را از منابع آن تدمین می نمودند و رویط حسنه با طبیعت بر قرار کرده بودند ولی با گذشت زمان با پیشرفت سریع نیروهای مولده، شکل گیری اجتماعات رفتار و مناسبات حسنه انسانها نسبت به طبیعت دگرگون گردیده و در اکثر موارد بشر بی رویه و بی رحمانه منابع طبیعی را استثمار کرده برای توسعه و تولید هر چه فزاینده تر بکاری گرفت. با گذشت زمان دامنه این تجاوزات وسیع تر، پردامنه تر و حضانه تر می گردید. به منظور تأمین فراینده احتیاجات انسانها به مواد غذایی و گوشتی شکار حیوانات و در بعضی موارد حیوانات نا در با گذشت زمان و سیعتر و پر دامنه تر می گردید. جنگلها در بعضی موارد جنگلهای با ترکیب فلوریستی در به منظورهای سوختی، کشاورزی نابود می گردید، استثمار منابع آبی وسعت می گرفت و بطور کلی اکو سیستم ها از بین می رفت و فونکسیون طبیعی خود را از دست می داد. با پیشرفت جامعه بشری توسعه علم و تکنیک امکان استفاده های کلان از منابع زیر زمین را فراهم می کرد. به موازات نابودی منابع طبیعی تجدید شونده بشر به منابع غیر قابل تجدید هم شنی خون می زد. نابودی جنگلها و بطور کلی پوشش گیاهی، تخریب مراتع زندگی زا آلودگی منابع آبی را در پی داشت که با گذشت زمان از دیاد می یافت و بشر آنروزی متوجه نبوده که با از بین بردن منابع طبیعی تیشه به ریشه خود می زند و محیط مناسب برای زندگی را از دست می دهد.

قرن بیستم قرنی که در صفحات تاریخ جایگزین شد بیش از سده های گذشته شرایط استثمار بی نظیر و بی حد منابع طبیعی، آلودگی زیستکره محیط زیست را فراهم نمود. در این عصر بشر به پیشرفتهای عظیم عملی و تکنیکی دست یافت. در این سده آتم کشف شد. انرژی آتمی بکار گرفته شد. بشر به اسرار فضای لاتینهای دست یافت و سقبه به آنجا فرستاد، در کره ماه به گردش پرداخت اسرار کرات آسمانی را کشت نمود. در این عصر فن آوری کمپیوتری تکمیل شد و انترنت به منبع اساسی انفورماسیون تبدیل گردید، مهندس زنتیک معجزه ها آفرید. به موازات این پیشرفتهای در قرن گذشته بزرگترین و مخرب ترین جنگلهای لوکال و توتال رویداد که منظره جهان و صحنه های عملیات جنگی را تغییر داد، جان ملیونها انسان را گرفت، بمبارانهای آتمی انفجارات هسته ای پی آوردهای فلاکتبار به بار آورد. در این سده فرسایش عظیم خاکهای زراعی، تبدیل زمینهای حاصلخیز به کویر، کویرزائی، آلودگی شدید تکنوژن جمعیت بشری را با بحران عظیم زیست محیط روبرو نمود.

در این عصر مسایکی مانند گرم شدن تدریجی هوای کره زمین بر اثر افزایش مقدار گاز کربنیک تخریب لایه اوزون، فرسایش عظیم و فلاکتبار خاکهای مزروعی، بیابان زائی بطور جدی عرض اندام کرد و بشریت را در مبارزه با آنها ترغیب نمود. بشر در یک شرایط تاریخی متوجه شد که لزوم بقاء و تنوع

حیاتی ناشی از آن است که اهمیت این منابع را نباید تنها در ایجاد زندگی فرقه بشمار آورد بلکه در واقع بقا و تنوع حیاتی با آن در رابطه مستقیم می باشد.

آب و خاک و گیاه در واقع عواملی هستند که سیستم اکولوژیکی جهان را ایجاد می نمایند و اینها عواملی هستند که یکی دیگری را نمی تواند عوض نماید بلکه مکمل همدیگر هستند. منابع طبیعی تجدید شونده زیر بنای توسعه صنعتی، اقتصادی و اجتماعی را پایه گذاری نمود. در دورانهای گذشته در تمام کشورهای جهان از جمله در کشورمان ایران انسانها با منابع طبیعی مناسبات خوبی نداشتند، از جنگلهای مرغوب در تولید گرما، تأمین اراضی مورد نیاز کشاورزی، صنعتی در شهر سازی استفاده می کردند و هر سال میلیونها هکتار جنگلهای ذیقیمیت از بین می رفت. جنگلهای بخصوص جنگلهای کوهستانی دارای اهمیت کلیماتولوژیکی بوده تنظیم کننده گردش آب بشمار می روند. جنگلهای از تشکل سیلابها جلوگیری کرده عامل موثری در جلوگیری از فرسایش خاک بشمار می روند. کافی است گفته شود که یک هکتار جنگل ۱۸ میلیون متر مکعب هوارا تصفیه می کند و در حدود ۲ هزار مترمکعب آب تمیز بهییز می نماید. جنگلهای با کنترل جریان آبها مالم از چروز سیلاب و فرسایش خاک می شوند. امروز در جهان بشریت مترقی جنگلهای را نه فقط به عنوان چشم انداز زیبا بلکه تضمین کننده بقای منابع آبی و خاکی بخصوص بزرگترین منبع تولیدات اکیزن کشیرن به حساب می آورد.

جنگلهای و مراتع کشور پوشین گیاهی ایجاد می نمایند که خود در ایجاد شرایط مطبق زیست محیطی تنظیم وضع اکولوژیکی بین جانداران، آب و خاک و گیاه را در پی دارد. در نیم قرن اخیر نابودی جنگلهای بخصوص جنگلهای ایالات شمالی کشور سیر صعودی داشته. از مجموع ۱۶۵۴ میلیون هکتار مساجب کشور ۵۵ درصد آن را مراتع، ۷۶ درصد را جنگلهای و ۲۱ درصد را اراضی کوکیری و بیابانی تشکیل می دهد که این مجموعه بال ۶ / ۸۲ درصد از عرصه کشور را می پوشاند. سطح جنگلهای کشور چیزی در حدود ۴ / ۱۲ میلیون هکتار بود (تا سال ۱۳۷۰) که با توجه به جمعیت کشور سهم هر ایرانی ۳۵ / ۰ هکتار تشکیل می داد. نابودی بی رویه جنگلهای امروز این رقم را به ۲ / ۰ هکتار تملیل داده (۱ / ۱۵ کشورهای دیگر) است. طبق اطلاعات موجود هر سال بیش از ۳۱۰ هزار هکتار از جنگلهای کشور نابود می شود.

ادامه دارد